ابورکانه عبد یزید ام رکانه را طلاق داد و با زنی از مُزَیْنَه ازدواج کرد؛ این زن نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: مرا (در امور زناشویی) بی نیاز نمی کند؛ و مویی از سرش جدا کرد و گفت: تنها به این اندازه نیاز مرا برآورده می کند.

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که می گوید: ابورکانه عبد یزید ام رکانه را طلاق داد و با زنی از مُزَیْنَه ازدواج کرد؛ این زن نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: مرا (در امور زناشویی) بی نیاز نمی کند؛ و مویی از سرش جدا کرد و گفت: تنها به این اندازه نیاز مرا برآورده می کند. ما را از هم جدا کن؛ این بود که غیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم به جوش آمد و رکانه و برادرانش را فراخواند و سپس به همنشینانش فرمود: «أَتَرَوْنَ فُلَانًا يُشْبِهُ مِنْهُ كَذَا وَكَذَا؟ مِنْ عَبْدِ يَزِيدَ، وَفُلَانًا يُشْبِهُ مِنْهُ كَذَا وَكَذَا؟»: «آیا فلانی در این صفات شبیه عبد یزید نیست؟ و فلانی این صفات و ویژگی های ظاهری او را ندارد؟» آنها گفتند: بله چنین است. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم به عبد یزید گفت: «طَلِّقْهَا»: «او را طلاق بده». آنگاه فرمود: «رَاجِعِ امْرَأَتَكَ أُمَّ رُكَانَةَ وَإِخْوَتِهِ»: «نزد همسرت ام رکانه و برادرانش بازگرد». عبد یزید گفت: ای رسول خدا، من ام رکانه را سه بار طلاق داده ام. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «قَدْ عَلِمْتُ رَاجِعْهَا»: «می دانم، به او رجوع کن». و این آیه را تلاوت نمود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاء فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ» [طلاق: 1] «ای پیامبر، هرگاه خواستید زنان را طلاق دهید، آنها را در زمان [آغاز] عده طلاق دهید [یعنی طلاق در طُهری که با او نزدیکی نکرده است واقع شود]».

[حسن است] [به روایت ابوداوود]

عبد یزید با کنیه ی ابورکانه، ام رکانه را طلاق می دهد و با زنی از مزینه ازدواج می کند؛ زنی که به تازگی از مزینه گرفته، نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده و می گوید: ابورکانه مشکل دارد و نمی تواند با زنان همبستری کند؛ مرا از او جدا کن؛ بنابراین رسول الله صلی الله علیه وسلم غیرتی شده و ناراحت می شود و رکانه و برادرانش را فرا می خواند، آنگاه به همنشینانش می گوید: آیا شباهت رکانه و برادرانش به ابورکانه را می بینید؛ اینان فرزندان عبد یزید هستند و تردیدی در مردانگی او نیست؛ و چنان نیست که آن زن از مزینه ادعا می کند. و حاضران می گویند: بله چنین است. آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم به عبد یزید می گوید: «آن زن را طلاق بده». و عبد یزید هم او را طلاق می دهد. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم به وی می گوید: نزد همسرت ام رکانه بازگرد؛ عبد یزید می گوید: ای رسول خدا، من او را در یک مجلس سه طلاق داده ام؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: می دانم که او را سه طلاق داده ای؛ اما سه بار طلاق دادن در یک مجلس، یک طلاق محسوب می شود؛ پس نزد همسرت بازگرد و این آیه را تلاوت نمود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاء فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ» [طلاق: 1] «ای پیامبر، هرگاه خواستید زنان را طلاق دهید، آنها را در زمان [آغاز] عده طلاق دهید [یعنی طلاق در طُهری که با او نزدیکی نکرده است واقع شود]». و در روایت احمد آمده است: ابورکانه همسرش را در یک جلسه سه بار طلاق داده بود و از این مساله ناراحت و غمگین بود. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم به او فرمود: «فإنها واحدة»: «آن یک طلاق محسوب می شود».